

متن پرسش

سلام در عرفان نظری و در بین عرفا، علاوه بر ظاهر و مطالب ظاهری و احادیث ظاهری که مطرح است؛ در بین خود یک سری مطالب و احادیث سری و باطنی نیز دارند که بیشتر از طریق کشف و شهود به این مطالب رسیده اند. برای مثال ابن عربی ادعا دارد که فصوص الحکم را کلش را رسول الله (ص) به او القاء کرده و کل این کتاب املاء شخص رسول الله (ص) است. حال در همین بحث چند سوال از شما داشتم: ۱- ضابطه و ملاک برای تشخیص شهود صحیح و رحمانی از شهود غلط و شیطانی چیست؟! چونکه ما می بینیم که حتی در بین کشف و شهود عرفا نیز متفاوت و بعضا متناقض است. برای مثال یکی در مکاشفه می بیند فلان شخص در آن دنیا گرفتار است؛ شخص دیگری می بیند نه آن شخص در بهشت برین است. بالاخره نمی شود که هر دو مکاشفه درست باشد چون متناقض است. خوب در اینجا قطعا یکی از این مکاشفه ها شیطانی است. حال این را از کجا می شود تشخیص داد؟! ۲- ممکن است فردا نیز بنده کتابی بنویسم و ادعا کنم کل این کتاب املاء رسول الله (ص) است یا مثلا املاء امیرالمومنین (ع) است. خوب به چه دلیل و طبق چه ملاک و معیاری باید سایر علما حرف مرا بپذیرند یا رد کنند؟! ۳- اگر شخصی در مکاشفه یا شهودی پیامبر (ص) یا یکی از ائمه (ع) را ببیند که مطلبی را به این شخص بفرمایند؛ آیا این شخص می‌تواند این مطلب را مبنای کارش و اعتقادش قرار دهد یا خیر؟! ۴- آیا فقیه می‌تواند در علم فقه، که یک علم ظاهری است از شهودات خویش استفاده کند؟! برای مثال ما در احادیث داریم که با شروع ماه رمضان شیطان در بند می‌شود و تا آخر ماه رمضان در بند است. حالا برای مثال هر چند هنوز هلال ماه رویت نشده؛ اما چون فلان عارف شهود کرده که شیطان در بند شده فتوا دهد که اول ماه رمضان است. یا برای مثال یک عارف علت و مناط تکوینی و واقعی نماز را شهود؛ بعد بیاید همین مناط را تنقیح کند. و سایر مثالها

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: ۱- ملاک صحت مکاشفه، کشف پیامبر و امام معصوم است. اگر آن کشف مخالف کشف معصومین نبود می‌تواند قابل اعتماد باشد ولی این که کشف‌ها در یک موضوع متفاوت می‌شود ممکن است دو وجه از یک موضوع در میان باشد به این معنا که در یک کشف جنبه‌ی ایمانی فرد مد نظر باشد و در یک کشف جنبه‌ی مراحل‌ی که هنوز طی نشده است برای صاحب کشف ظاهر شود ۲ و ۳- امثال محی‌الدین که چنین سخنی را می‌گویند آنقدر آن سخن عمیق است که علامه

طباطبایی «رحمة الله عليه» می‌فرمایند بعد از معصوم هیچ سخنی به عمق سخنان محی‌الدین نیست و بعد از قرآن بیشترین شرح بر کتاب فصوص الحکم محی‌الدین نوشته شده که در آن کتاب می‌فرماید رسول خدا «صلوة الله علیه وآله» را در خواب دیدم و حضرت فرمودند بگیر این کتاب را. از محتوای کتاب معلوم می‌شود یک کتاب فوق‌العاده‌ای است و در همین رابطه حضرت امام در نامه به گورباچف نوشتند : دیگر شما را خسته نمی‌کنم و از کتب عرفا و بخصوص محی‌الدین ابن‌عربی نام نمی‌برم؛ که اگر خواستید از مباحث این بزرگمرد مطلع گردید، تنی چند از خبرگان تیزهوش خود را که در این‌گونه مسائل قویاً دست دارند، راهی قم گردانید، تا پس از چند سالی با توکل به خدا از عمق لطیف باریکتر از موی منازل معرفت آگاه گردند، که بدون این سفر آگاهی از آن امکان ندارد. ۴- هرگز نباید در علم فقه به شهود اعتماد کرد و قضیه از این حرف‌ها نیست که عارفی بخواهد با شهود خود ماه رمضان را تعیین کند. موفق باشید